

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطالبی که مقدمتاً لازم بود برای بیان این مطلب که اول ماه یک امر واقعی می باشد و سال هم براساس قرآن مجید ۱۲ ماه است عرض شد ، و همچنین گفتیم که چیزی که واقعیت داشته باشد گاهی علم به آن حاصل می شود و گاهی علم به آن حاصل نمی شود فلذا شارع مقدس وظیفه را هم در صورت علم و هم در صورت جهل به حکم واقعی یا به موضوع حکم واقعی بیان کرده است. ما از امروز این شاء الله آنچه که از نظر بنده حقیر درباره اول ماه میزان و معیار است به همراه دلیلش بیان می کنیم . ما در اینجا چند مطلب را عرض می کنیم ، اول اینکه همانطور که عرض کردیم ماه در حرکتش به دور زمین اشکال و حالات مختلفی دارد ، گفتیم که ابتدا ماه در حالت محاق قرار دارد و بعد حرکت می کند و تشکل به شکل هلال پیدا می کند که در این صورت اول ماه ثابت می شود ، بعد در ادامه هفت روز حرکت می کند تا به تربیع اول می رسد و به شکل نیم دایره در می آید ، مجدداً ماه یک هفته دیگر حرکت می کند تا به بدر می رسد و به صورت یک دایره کامل در می آید ، بعد از این حالت دوباره ماه یک هفته دیگر به حرکتش ادامه می دهد تا به تربیع ثانی می رسد و مجدداً به شکل نیم دایره در می آید و بعد از تربیع ثانی ماه به حرکتش ادامه می دهد و هر شب نورش کمتر می شود تا اینکه دوباره در محاق قرار می گیرد ، این حالاتی است که برای حرکت ماه متصور است و یک واقع و طبیعت محفوظی دارد که هر ماه یک مرتبه اتفاق می افتد. مطلب دومی که باید عرض کنیم این است که در مسئله مانحن فیه فهمیدن طول و عرض بلاد بسیار مؤثر است که ما مفصلاً درباره آن بحث کردیم و گفتیم که برای سنجیدن طول بلاد و فهمیدن اختلاف ساعات یک مبدئی باید داشته باشیم تا براساس آن مبدأ این امور را بسنجیم ، فلذا در هیئت جدید گریونیچ را که یک شهر کوچکی نزدیک لندن است مبدأ فرضی برای سنجیدن طول بلاد قرار داده اند ، پس بلادی که در شرق گریونیچ هستند دارای ۱۸۰ درجه طول شرقی و بلادی

که در غرب گریونیچ هستند دارای ۱۸۰ درجه طول غربی می باشند که مجموعاً می شود ۳۶۰ درجه ، بنابراین هرچه بلاد شرقی تر باشند اوقات صبح و ظهر و مغرب و... زودتر برایشان محقق می شود و هرچه غربی تر باشند این اوقات دیرتر برایشان محقق می شود. درباره عرض بلاد هم باید عرض کنیم که مبدأ سنجش عرض بلاد خط استوا می باشد فلذا بلادی که در شمال این خط قرار دارند ۹۰ درجه عرض شمالی دارند و بلادی که در جنوب خط استوا قرار دارند دارای ۹۰ درجه عرض جنوبی می باشند. طول و عرض بلاد را که عرض کردیم در رؤیت هلال بسیار مؤثر می باشند و همچنین در تفاوت آفاق که مورد بحث ما می باشد طول و عرض بلاد بسیار مؤثر هستند و تا وقتی که ما معنی طول و عرض بلاد را خوب نفهمیم معنی افق را نمی توانیم بفهمیم چرا که ما به دو بلدی می توانیم هم افق بگوئیم که از لحاظ طول و عرض جغرافیایی به هم نزدیک باشند ، بنابراین مسئله توافق و اختلاف افق منحصراً از فهمیدن طول و عرض بلاد بدست می آید. مطلب سومی که باید عرض کنیم این است که شارع مقدس با توجه به دو مطلب قبلی که بنده عرض کردم فرموده است که در آن دسته از تکالیفتان که مربوط به ماه می باشد اولاً رؤیت هلال میزان است یعنی شارع فرموده: **صم للرؤية وأفطر للرؤية** و راههای دیگر مثل قول منجمین و یا مثلاً مسئله تطوق و... را معتبر ندانسته است و ثانیاً منحصراً رؤیت خود شما میزان نیست فلذا اگر شاهدی هم آمد و شهادت به رؤیت داد شهادتش قبول است و اول ماه ثابت است چه آن شاهد نزدیک باشد و چه از راه دوری آمده باشد. در اینجا اخبار دو دسته می باشند، یک دسته از آنها اطلاق دارند و نگفته اند که آن شاهد از کجا آمده و در دسته دیگر آمده است که اگر آن شاهد از اهل بلد آخر و اهل امصار هم بود شهادتش قبول است. دسته اول از این اخبار عبارتند از: **النصوص الدالة على أنه إذا جاء شاهدان وشهدا بأنهما رأياه قبل ذلك بليلة يجب القضاء.** شش خبر بر این مطلب دلالت دارند، اول: خبر ۸ از باب ۳ ابواب احکام شهر رمضان ص ۱۸۳ از ج ۷ و سائل ۲۰ جلدی که صحیحه منصورین حازم می باشد. دوم: صحیحه

روزی بوده که شما خورده اید باید قضایش را بجا بیاورید. به نظر می آید که این اخبار ششگانه اطلاق دارند و دلالت بر وحدت افق ندارند، دسته دیگری از اخبار هستند که حمل بر وحدت افق شده اند که إن شاء الله فردا آنها را می خوانیم...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

مفضل وزید شحام که خبر ۸ از باب ۵ واقع در ص ۱۹۰ از ج ۷ وسائل ۲۰ جلدی می باشد. سوم: صحیحہ عبیدالله بن علی بن حلبی که خبر ۱۷ از باب ۵ واقع در ص ۱۹۳ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی می باشد. چهارم: موثق عبدالله بن سنان که خبر ۱۹ از باب ۵ واقع در ص ۱۹۳ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی می باشد. پنجم: خیر صابر غلام اُبی عبدالله (علیه السلام) که خبر ۲۱ از باب ۵ واقع در ص ۱۹۴ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی می باشد. ششم: صحیحہ اُبی بصیر که خبر ۵ از باب ۱۱ واقع در ص ۲۰۸ ج ۷ وسائل ۲۰ جلدی می باشد. اینها نصوص ششگانه ای هستند که اطلاق دارند، کسانی که وحدت افق را شرط می دانند این اخبار را حمل بر آنجا کرده اند و کسانی که وحدت افق را شرط نمی دانند می گویند که این اخبار اطلاق دارند و نمی توانیم آنها را حمل بر وحدت افق بکنیم. در خبر اول یعنی خبر منصور بن حازم این طور آمده: وعنه: یعنی شیخ طوسی باسناده عن الحسين بن سعيد عن الحسن عن صفوان عن منصور بن حازم عن اُبی عبدالله (علیه السلام) إنه قال صم لرؤية الهلال و أفطر للرؤيته و إن شهد عندك شاهدان مرضيان بأتهما رأياه فقضه: این خبر دلالت دارد بر این که اگر کسی یوم الشک را روزه نگرفت و شعبان را ۳۰ روز حساب کرد و وارد ماه رمضان شد و بعد از رمضان شاهدان آمدند و گفتند که در یوم الشک ماه را دیده اند باید قضای آن روز را که خورده بجا بیاورد فلذا از این خبر استفاده می شود که فقط رؤیت خود شخص میزان نیست بلکه اگر شاهد عادل هم آمد و شهادت به رؤیت داد شهادتش مقبول است. خیر ششم را هم که صحیحہ اُبی بصیر بود می خوانیم: وعنه: شیخ طوسی باسناده عن حماد بن عيسى عن شعيب عن اُبی بصير عن اُبی عبدالله (علیه السلام): أنه سئل أن يوم الذي يقضى من شهر رمضان : ۲۹ روز از رمضان را روزه گرفتیم و ماه تمام شده ولی بعضی می گویند که شاید ماه ۳۰ روز بوده قال: لا يقضه إلا أن يثبت شاهدان عدلان عن جميع اهل الصلوة متى كان رأس الشهر: اگر شاهدان عدلان آمدند و گفتند که رأس شهر از همان